

نقدی بر کمک خیرین به نیازمندان

لزوم توانمندسازی
به جای پرداخت اعانه

محمد توحیدلو

فعال اجتماعی در حوزه
سیستان و بلوچستان

گاهی افراد جامعه بر اساس یکسری ملاک‌های مادی مثل درآمد، سطح منزلت اجتماعی و میزان تحصیلات با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در تنگنا و عسرت بودن برخی افراد، میزان درآمد پایین‌تر آنها نسبت به بقیه افراد جامعه، منزلت اجتماعی کمتر و... حس فقیر بودن آن‌ها را در ذهن دیگران ایجاد می‌کند، در صورتی که در بعضی موارد حتی خود اشخاص، خود را فقیر نمی‌پندارند ولی به محض این که مردم بر حسب فقیر بودن را به آن‌ها می‌زنند، به افراد نیازمند به کمک تبدیل می‌شوند و در این روند، فرد برای دریافت کمک باید فقر خود را به خیرین ثابت کند تا بتواند کمکی دریافت کند که این فرآیند فرایند گداپوری است. آری این خیرین هستند که بدون آگاهی از نحوه‌ی صحیح برخورد با محرومان و نیازمندان، مرتکب خطایی بزرگی می‌شوند و آن تبدیل یک انسان که بهر خوردار به یک فقیر یا گداست! در سیل اسفندماه ۱۴۰۲ من در چند نقطه از استان سیستان و بلوچستان حضور داشتم و در مسیر با روستایی دورافتاده آشنا شدم که خوشبختانه پای خیری به آنجا باز نشده بود. مردم در حال بازسازی خانه‌های خشتی گلی خود بودند و بدون چشم‌داشت به کمک من که با لباس غیر بلوچی (گجر) در محل بودم، من را دعوت به سفره‌های درویشی خود کردند! به قدری این سخاوت بزرگمناشانه بود که یک شب در روستا ماندم تا با مردم آنجا بیشتر آشنا شوم. طی صحبت‌هایی که با مردم روستا داشتم متوجه شدم، مردم آنجا اکثراً به عنوان کارگر از کودکی در دیگر استان‌ها و شهرستان‌های اطراف به کارگری مشغول بودند یا برای ادارات و سازمان‌ها به کار تکنسینی مشغول بودند. گواه این موضوع، تیر برق‌های منتهی به آن مجموعه روستای دورافتاده بود که در طول سیل کمتر از ۲۴ ساعت قطعی برق بر اثر افتادن داشتند و کسانی که کارگر اداره برق بودند، خود برای تعمیر و نگهداری تیرهای برق اقدام کرده بودند و خلاف بخش‌های دیگر، از برق برخوردار بودند و منتظر بوزکرسی یا اداره‌ی برق برای تعمیر خطوط خود نبودند. اما مشاهدات من از دیگر شهرستان‌های استان که دسترسی جاده‌ای به آن‌ها بود و خیرین و سلب‌ریتی‌ها در آن تردد داشتند، طور دیگری بود: مردم در کنار خانه‌های گلی فرورفته در سیل خود، چشم‌انتظار به دست خیرینی نشسته بودند که لباس، وعده غذایی و پول نقد دریافت کنند تا شاید دوباره زندگی و معیشتی برای خود به‌بیا کنند. اما چه سود که فراموش کرده بودند، روزگاری با داستان خالی خود سیل بند می‌ساختند و خانه‌ای روی تپه‌ای بنا می‌کردند! این موقعیت جغرافیایی و اقلیمی سیستان و بلوچستان از صدها سال پیش این گونه بوده و مردم آنجا با این نوع زندگی آدپت شده‌اند که در مسیر سیل «هوتک» بسازند، با خاک برداشته از آن تپه‌ای بسازند و خانه‌ی خود را روی آن تپه احداث کنند. آن هوتک، آب انباری می‌شود برای نگهداشت آب سیل برای ماه‌های آبی که شرب خود، دامش و کشاورزی‌اش را تامین کند. هر سال لایروبی این هوتک و بازسازی کپر یا خانه‌ی گل و سنگی‌اش، چیزی نبوده که دیگری برایش اقدامی کند، با عزت‌نفس و توان بازوی خویش هزاران سال این گونه زیسته و بسیار توانا و عزیز بوده. به روایت من، بزرگترین اجتماع خودجوش مردمی که به هدف انجام کاری، چندین هفته به‌طور مستمر کار می‌کردند در سیستان و بلوچستان به زبان محلی «خشر» برای لایروبی رودخانه‌ها و قنات بوده که امروزه نایاب است. از طوفان گونو در سال ۱۲۸۶ که پای خیرین و سلب‌ریتی‌ها با پیشرفت چشمگیر دنیای مجازی باز شد، هر روز به تعداد گدایان و فقرای این استان افزوده شد. بماند که عدم عدالت در توزیع ثروت و توسعه‌ی پایدار استان سیستان و بلوچستان که از دوره‌ی پهلوی اول تا به‌امروز طبق گفته‌ی آمار و ارقامی که هر ساله دولت‌ها منتشر می‌کنند، دست‌به‌دست هم دادند تا امروز با استانی روبه‌رو باشیم که متأسفانه دیگر آن حماسه‌های اجتماعی بومی از مردمان بلوچ، بسیار کمتر به چشم می‌آید. ر خوت، تنبلی و ناامیدی روز افزون‌شان بیشتر نمود پیدا کرده. وقتی فردی سالم برای عدم انجام کاری پاداش می‌گیرد، تمایل مجدد او به تکرار بیشتر می‌شود (گزاره محرک)، هر چه این محرک خاص افزایش یابد، ثمربخش‌تر و تداوم آن مستحکم‌تر می‌شود. یعنی اثرگذاری آن بیشتر بوده، شاخص محرومیت بالا می‌رود و چهره فقر در ابعاد تکدی‌گری بیشتر نمایان می‌شود. در کمک‌رسانی‌ها می‌توانیم از گداپوری و عادت به دریافت اعانه جلوگیری کنیم؛ ما باید به‌جای اعانه دادن بدون قید و شرط، یک مطالبه هر چند ناچیز داشته باشیم و به مددجود ازای کاری که انجام داده، کمک شود. کمک گرفتن از خود افراد جهت کار خیری که برای آن‌ها انجام می‌شود و مشارکت با آن‌ها، می‌تواند اثر مثبتی در ذهنیت آن‌ها ایجاد کند.

گزارشی از راهپیمایی‌های گسترده مردم هند در اعتراض به آمار بالای تجاوز جنسی به زنان در این کشور

ملاقات در خیابان برای پس‌گرفتن شب

محاکمه‌اند، تعداد محکومیت‌ها کم است که این موضوع موجب تضعیف ایمان زنان به اجرای عدالت می‌شود. آداب و رسوم دیرینه‌ای که هم زنان را سرکوب می‌کند و هم در بسیاری از موارد آنها را در خانه محصور می‌کند، امنیت آنها را در مکان‌های عمومی به یک فکر ثانوی تبدیل کرده است. آنطور که نیویورک تایمز گزارش داده، استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی به‌ویژه در شب برای یک زن می‌تواند خطرناک باشد و آزار و اذیت جنسی اغلب در خیابان‌ها و ادارات اتفاق می‌افتد. در سال ۱۹۹۷، دادگاه عالی هند دستورالعمل‌هایی را برای جلوگیری از آزار جنسی در محل کار صادر کرد. این قوانین ناشی از تجاوز به یک مددکار اجتماعی به نام «بهانواری دیوی» در سال ۱۹۹۲ بود که تلاش کرد ازدواج یک کودک ۶ ماهه را متوقف کند. لایحه‌ای برای تبدیل این دستورالعمل‌ها به قانون، در سال ۲۰۰۷ پیشنهاد شد. شش سال بعد در سال ۲۰۱۳، یک‌سال پس از تجاوز گروهی به دانشجوی جوان فیزیوتراپی در دهلی نو، تصویب شد. «وریندا گروور»، وکیل و فعال حقوق زنان می‌گوید که حمایت‌های قانونی تا حدی به این دلیل بی اثر بوده است که دولت در اجرای قانون و سرمایه‌گذاری در مکانیسم‌هایی برای رسیدگی مناسب به پرونده‌های تجاوز جنسی، سهل‌انگاری کرده است: «تحقیقاتی که پلیس انجام داده است اغلب غیرحرفه‌ای بوده و توسط افرادی با آموزش کمی انجام شده است. رویکرد ایالات با تعصب علیه زنان رنگ‌آمیزی شده است»، «شریجا راتو، یک فعال حقوق برابر به «مکتوب» می‌گوید: «مورد نیربها یا تنها مورد خشونت شدید نبود. این خشونت بارها در واقع تقریباً هر روز در هند اتفاق افتاده است و سیستم قضایی این کشور از توجه یکسان به آنها خودداری می‌کند. ظلم افزایش یافته و اگر دولت تنها پس از سازماندهی اعتراضات مردمی بگوید که وارد عمل شده، نشان‌دهنده این است که این سیستم ناکارآمد شده و ما شاهد پایان خشونت مبتنی بر جنسیت نخواهیم بود.»

پیوند خشونت در محل کار و فرهنگ مردسالار

با وجود اعتراضات و قوانین موجود، خشونت مبتنی بر جنسیت در هند همچنان فراگیر است و فرهنگ مردسالار زن‌ستیز هند، زنان را عقب‌نگه می‌دارد. با وقوع هر ۱۶ دقیقه تجاوز جنسی، خشونت یکی از بزرگترین عوامل بازدارنده برای زنان شاغل در هند است. این برآورد روزنامه گاردین از وضعیت زنان هندی است: اعتراضات جاری درباره پرونده اخیر تجاوز و قتل در کلکته، در حالی که ششم گسترده تبدیل شده است که این اعتراضات فقط در واکنش به وضعیت اسفبار خشونت مبتنی بر جنسیت در حرفه پزشکی نیست، بلکه اعتراضی است درباره ایجاد امنیت در محل کار برای زنان. میلیون‌ها زن هندی که در سال‌های اخیر وارد محیط کار شده‌اند، هنگامی مردسالارانه را به چالش کشیده‌اند تا همان فرصت‌هایی که مردان

هند برای زنان امن نیست

در ۹ اوت، به یک دانشجوی دختر ۳۱ ساله سال دوم کارشناسی ارشد در کالج پزشکی کار در سالن سمینار دانشکده تجاوز شد و او به قتل رسید. جزئیات این پرونده ملت را شوکه کرد و منجر به اعتراضات گسترده و راهپیمایی‌های «باز پس گرفتن شب» برای او شد. با این حال در حالی که مردم این کشور خواستار عدالتند، بسیاری از زنان در سراسر هند همچنان با تجاوز جنسی روبه‌رو هستند و این گزارش‌ها موجب شده که زنان احساس اضطراب و ناامنی کنند. پس از پرونده این پزشک، ده‌ها زن در هند با سرنوشت مشابهی روبه‌رو شدند. آنطور که رسانه «مکتوب» در هند گزارش داده، در ۹ اگوست نه‌تنها پزشک کارآموز در کلکته، بلکه دوزن دیگر در «آمتی اوتاراکنده» و «اوتارا پرداش» مورد تجاوز و حشیاانه قرار گرفتند. در اوتاراکنده به یک پرستار در حالی که بدنش مثله شده بود، تجاوز شد و به قتل رسید. در جایی دیگر، یک دختر ۱۳ ساله توسط پدرش مورد تجاوز قرار گرفت. دو روز بعد، به دختری در پنجاب تجاوز گروهی شد که گفته می‌شود متجاوزان اعضای خانواده دوست‌دختر برادرش بودند. چهار مورد مشابه، روز بعد گزارش شد: در «ماهراشتر»، یک خدمتکار مرد به دو کودک خردسال در دستشویی مدرسه حمله و یک کارمند دولتی به یک دختر خردسال دالیت تجاوز کرد. یک دختر ۱۶ ساله توسط راننده اتوبوس، راهبر و دیگران مورد تجاوز گروهی قرار گرفت و در اوتاراکنده، یک دختر ۱۴ ساله پس از تجاوز گروهی کشته شد...

زنان در هند دائماً در حالت آماده‌باش‌اند؛ اظهارنظرهای ناپسند غربیه‌ها در خیابان، آزار و اذیت در اتوبوس، آزار و اذیت در محل کار و خشونت شریک جنسی، باعث شده است که بیشتر زنان از مردان انتظار احترام نداشته باشند؛ حتی آنهایی که دوستان یا اعضای خانواده‌اند. این کشور تا امروز شاهد موارد تجاوز جنسی متعددی بوده است، اما به هیچ‌کدام توجه خاصی نشده و نکته رایج در همه این موارد این است که برای هیچ‌یک از قربانیان، عدالت رعایت نشد. اعداد و ارقام، داستانی دلخراش را برای زنان هندی بیان می‌کنند. در سال ۲۰۲۳، مؤسسه جورج تاون برای زنان، صلح و امنیت، هند را در رتبه ۱۲۸ از بین ۱۷۷ کشور در شاخص سالانه خود درباره گنجاندن عدالت و امنیت برای زنان قرار داد. براساس گزارش بانک جهانی، ۳۵ درصد از زنان هندی بین ۱۵ تا ۴۹ سال، خشونت فیزیکی یا جنسی توسط شریک زندگی خود تجربه کرده‌اند که بالاتر از میانگین جهانی (۲۷ درصد) است. براساس آمار اخیر اداره ملی سابق جرم و جنایت هند (NCRB)، حدود ۴۵ هزار مورد تجاوز در سال ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار گرفته و به‌طور متوسط روزانه نزدیک به ۹۰ تجاوز در همان سال گزارش شده است. در حالی که بعضی از این تجاوزها گزارش می‌شوند، بسیاری دیگر به دلیل موقعیت اجتماعی، انگ و دلایل دیگر گزارش نمی‌شوند. برای پرونده‌هایی که در حال

گزارش
زنان

آنطور که فعالان و وکلا به «استریت تایمز» می‌گویند، مجازات سخت به‌تنهایی باعث امنیت بیشتر زنان نشده است. در سال ۲۰۲۰، چهار مرد به دلیل تجاوز و قتل «نیربها» به دار آویخته شدند اما آیا اعدام‌ها متجاوزان را ترساند؟ «ربکا جان»، وکیل مستقر در دهلی که در پرونده‌های تجاوز جنسی کار می‌کند، می‌گوید که پس از این اعدام‌ها هم تجاوزهای زیادی رخ داده است

مهتا زارع

خبرنگار گروه جامعه

در دسامبر ۲۰۱۲، یک دانشجوی ۲۳ ساله فیزیوتراپی، کمی بعد از ساعت ۹ شب در دهلی‌نو سوار اتوبوس شد و انتظار داشت که او را به خانه برسانند. در عوض، چندمرد به او تجاوز کردند و با میله آهنی چنان به او حمله کردند که روده‌هایش آسیب دید. او چندروز بعد در حالی که هند از خشم فوران کرده بود، درگذشت. هندی‌ها به او لقب «نیربها» به معنی بی‌بک دادند و روزها در خیابان ماندند. ۱۲ سال از آن ماجرا گذشته و «میک»، با هر صدایی که در خانه‌اش می‌شنود، بلافاصله مضطرب می‌شود و شروع به بررسی هر گوشه از خانه‌اش در دهلی برای پیدا کردن متجاوزان می‌کند. پس از سال‌ها زندگی در شهر، او اکنون احساس پارانوئید دارد؛ به‌ویژه که اینترنت مملو از اخبار موارد تجاوز جنسی در هند است: «فکر می‌کنم با پرونده کلکته شروع شد. با فاش شدن جزئیات بیشتر و وحشتناک‌تر از تجاوز و قتل او، به این فکر می‌کردم که چگونه یک فرد سالم می‌تواند برای لذت بردن، استخوان‌های یک زن را بشکند. من دردی را تصور کردم که او باید احساس کرده باشد. می‌ترسم و احساس ناامنی می‌کنم.»

اما هندی‌ها بار دیگر خیابان‌ها را محلی برای نشان دادن عصبانیت‌شان کرده‌اند؛ خیابان، محلی برای ملاقات معترضان به خشونت علیه زنان در این کشور شده و سال‌هاست که این اعتراضات ادامه دارد. این بار به دلیل تجاوز و حشتناک و قتل یک پزشک کارآموز ۳۱ ساله در یک بیمارستان کلکته، در حالی که او پس از یک شیفت آخر شب در یک اتاق سمینار استراحت می‌کرد. از روزی که او کشته شد یعنی ۹ اوت، هزاران پزشک برای یک محیط کار امن تر اعتصاب کرده‌اند و هزاران نفر دیگر برای عدالت خواهی به خیابان‌ها ریخته‌اند. برای کشوری که ناامید از آن است که به‌عنوان یک رهبر جهانی دیده شود، موارد پر تکرار تجاوز جنسی یک حقیقت ناخوشایند را برجسته می‌کند؛ هند با معیارهای بسیاری، یکی از ناام‌ترین مکان‌های جهان برای زنان باقی مانده است. تجاوز جنسی و خشونت خانگی، نسبتاً رایج است و میزان محکومیت در این باره پایین. اگر چه هفته گذشته دادگاه عالی هند پرونده کلکته را بررسی کرد، تعدادی از مظنون‌ها را دستگیر و قول پیگیری سریع داده اما خشونت مبتنی بر جنسیت در هند آمار بسیار بالایی دارد. با وجود اینکه میلیون‌ها زن هندی در دهه گذشته به نیروی کار پیوسته‌اند، استقلال مالی خود را تضمین کرده و به رشد سریع کشور کمک کرده‌اند، هنوز هم اغلب بار ایمنی خود را به دوش می‌کشند.

